

همایش علمی- پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۸/۵۱۶۸۹ رده بندی کنکره: ب ۲۲/۷۰۳۴۵

بررسی حل مسئله انزوای دانش آموزان

الهه بوجاری

دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید صدوقی کرمانشاه آموزش علوم اجتماعی

چکیده

هدف از انجام این اقدام پژوهی، کاهش انزوای سبیل (نام مستعار) پسر شش ساله کلاس نقاشی و هنر های دستی ما بود. این مشکل از همان روز های اول شروع کلاس نظر ما را جلب کرده بود من با مطالعه در مورد ویژگی های کودکان انزوا طلب و صحبت مسئول کارگروهان خانم خاوری با مادر سبیل از طریق دو روش مشاهده و مصاحبه (بیشتر مشاهده) متوجه شدم که حدس ما درست بوده و سبیل کودکی انزوا طلب است، به دلیل معلم هنر و کم سن بودنم مشروعیت زیادی در نزد خانواده ها نداشتم به همین دلیل نمی توانستم اطلاعات زیادی در مورد علل به وجود آمدن این مشکلی کسب کنم پس سعی کردم از روش های کلی و قابل اجرا در کلاس برای کمک به سبیل استفاده کنم. من در این راه اقدامات زیادی برای کمک به سبیل با کمک دیگران انجام دادم از جمله: نشان دادن او کنار گروه همسالانش برای دوست یابی و ایجاد الگو گیری برای بهبود مهارت های اجتماعی، تشویق تحسین او برای کارهایش و صحبت از طریق خانم خاوری با مادرش جهت تشویق و عدم ایرادگیری از او و همچنین تنها گذاشتنش در ساعات کلاس، سعی در ایجاد ارتباط چشمی و گفت و گو های ساده که در آن شنوده فعال بودم و ... که در نهایت این اقدامات به بهبود شرایط سبیل در زمینه های: دوست یابی، برقراری ارتباط چشمی، استقلال مناسب از مادر، برقراری ارتباط درست و ... منجر شد.

واژگان کلیدی: انزوایابی، گوشه گیری، عدم اعتماد به نفس، اضطراب، عدم امنیت

بخش اول: مقدمه

در چند سال گذشته جهان شاهد پیشرفت خیره کننده تعدادی از کشور های در حال توسعه همچون سنگاپور ، ژاپن ، کره و ... بوده است به طوری که به سطح رقابت با کشور های پیشرفته جهان رسیده اند و به همین سبب جامعه شناسان ، پژوهشگران و ... به مطالعه و تحقیق در مورد چگونگی این پیشرفت سریع پرداختند ؛ در نتایج پژوهش های آن ها به علل زیادی اشاره شده اما یک علت در اکثر پژوهش ها به عنوان یکی از علت های اصلی شناخته شده و آن اصلاح ساختار آموزش و پرورش است . نقطه اشتراک تمامی افراد یک کشور بدون در نظر گرفتن محل زندگی ، فرهنگ ، زبان و ... تحصیل در مدرسه است (حتی اگر محدود به چند پایه باشد و فرد بعد از آن ترک تحصیل کند) . اگر یک نفر فرد مفید و موثری در جامعه است در مدرسه درس خوانده و اگر یک نفر فردی آسیب زا و مشکل آفرین برای جامعه است نیز در مدرسه درس خوانده . پس اگر ما می خواهیم یک کشور را به طور جامع ارتقا بدهیم و انسان های شایسته ای برای جامعه پرورش بدهیم ؛ چرا که بخش مهمی از ساختار یک جامعه را منبع انسانی آن می سازد که ارزش هیچ بخش دیگری به آن نمی رسد ، باید نظام آموزش و پرورش بسازیم که خروجی آن انسان های مفید و شایسته باشند. اما در راستای رشد نظام آموزشی تنها به اقدامات و برنامه های کلان نیاز نیست بلکه در خیلی از موارد این معلمان هستند که باید به صورت جزئی وارد عمل شوند و به اصلاح مشکلات خرد نظام آموزش و پرورش بپردازند .

امروزه با پیشرفت هایی که در صنعت الکترونیک ، فضای مجازی و ... بدست آمده ، آموزش و تعلیم دیدن امری نسبتاً ممکن و در دسترس برای اغلب افراد جامعه شده (هنوز هم بخاطر وجود فاصله ی طبقاتی و فقر این دسترسی برای قشر ضعیف جامعه ممکن نیست) و در کنار این نتیجه مثبت مشکلات روحی روانی و کمبود های بسیاری برای افراد پدید آورده که بخش زیادی از این مشکلات مربوط به برقراری ارتباط ، رشد در کنار گروه همسالان ، انجام فعالیت های فیزیکی و ارتباط رودررو با دوستان و اطرافیان و ... هستند ؛ و در اینجا است که نقش تربیتی معلم بیش از پیش به چشم می آید و انتظار می رود معلمان به جای اینکه دانش آموزان را به یک جعبه ذخیره اطلاعات تبدیل کنند ، آن ها را به انسان هایی سالم ، مفید ، موثر و توانمند تبدیل کنند که بتوان در آینده روی آن ها حساب کرد ، هرچند با اصلاح ساختار آموزش و پرورش این نتیجه خیلی بهتر بدست می آید اما ما معلمان نیز نباید به بهانه کم

کاری دیگران پا پس بکشیم و فراموش کنیم چه تاثیر ولو روی یک دانش آموز می توانیم بگذاریم و آن را به انسان بهتری تبدیل کنیم. در میان مشکلاتی که به آن ها اشاره کردم انزوا طلبی را مسئله بزرگ جامعه امروز به خصوص جامعه بعد از پایان اپیدمی ویروس کرونا می دانم چرا که این روز ها دانش آموزان را فراری از مدرسه می بینم و زمانی که علت را جویا می شوم پس از چند پرسش به این نتیجه می رسم که دانش آموزان در مدرسه با همسالان و معلمان خود ارتباط نمی گیرند ، گوشه گیرند و مدرسه را صرفا یک محیط خشک آموزشی می بینند و این در حالیست که بخش زیادی از فرایند رشد افراد در ارتباط با دیگران اتفاق می افتد و افراد در جمع چیز هایی می آموزند که در هیچ کلاس درسی یافت نمی شود و افراد برای موفقیت به کار گروهی و توانایی همراهی با یکدیگر نیاز دارند . که پایه های آن باید از سنین پایین گذاشته شود ، و در کنار همه این موارد باید بدانیم انزوا طلبی روی درس دانش آموزان نیز تاثیر می گذارد و حتی در این جنبه نیز آن ها را ضعیف می کند .

حال در کلاس من پسری با نام سپهر وجود دارد که دچار همین مشکل شده و من در صدد آن هستم که این مشکل را حل کنم و با این مسئله مواجهم . امیدوارم نتایج تلاش های من برای همکارانم در نمونه های مشابه مفید و قابل استفاده باشد.

بخش دوم: توصیف وضعیت موجود و بیان مسئله :

بند اول: انزوا طلبی چیست ؟

انزوا طلبی ، در لغت به معنی تنهایی و در خلوت نشستن و از جمع کناره گرفتن است و در اصطلاح، عارضه ای است که باعث می شود کودک و نوجوان از برقرار کردن ارتباط با افراد و محیط خارج دوری می کندو این کودکانو نوجوانان نوعاً با تقلیل یافتن علایق ذهنی و عاطفی نسبت به اطرافیان خود از داشتن دوست نزدیک و صمیمی محرومند. (علی اکبری ، ۱۳۹۳) انزوا طلبی به عنوان یک اختلال رفتاری، از جدی ترین مشکلات برخی از کودکان است. شرم و خجالت کودکان منزوی ممکن است آنها را از به دست آوردن مهارت ها و آمادگی های لازم برای بسیاری از فعالیت هایی که همسالان شان از آنها لذت می برند و یا اصولاً برای رشد شخصیت آنها ضروری است، باز دارد. کودک انزوا طلب هر چند که برای دیگران ناراحتی و رنجش را ایجاد نمی کند ولی ممکن است به علت رنج ناشی از احساس ناامنی و

بی‌کفایتی در خود، جزء کودکان غمگین باشد؛ در نتیجه پیوسته به دنیای درون خویش پناه می‌برد. اگر در مورد رفتار غیراجتماعی این قبیل کودکان چاره‌ای اندیشیده نشود، احتمالاً خطرناکترین و مساعدترین وضع را برای ابتلا به بیماری‌های روانی خواهند داشت. به هر حال این حقیقت که عده‌ای از کودکان منزوی به بزرگسالانی غمگین و بی‌لیاقت از نظر اجتماعی تبدیل خواهند شد به تنهایی دلیل کافی برای توجه به این مشکل رفتاری است. (روزنامه اطلاعات، ۹۵)

بند دوم: علائم و نشانه‌های گوشه‌گیری

گوشه‌گیری با یک سلسله علائم متعدد و به هم پیوسته همراه است؛ درد گوشه‌گیر چون مشکلاتش را نمی‌تواند در عالم واقعیت حل کند، به تخیل فرو می‌رود و به خیالبافی می‌پردازد. او انسانی است بی‌هدف و نمی‌داند چه باید بکند و برای آینده‌اش چه طرحی بریزد. از مردم گریزان است و هر تمنا و خواهش را یک تحمیل تلقی می‌کند و در برابر آن شدت مقاومت می‌کند و از این رو، اطرافیان دچار تضاد و کشمکش می‌شود، برای دفاع از حقش اقدام نمی‌کند و کناره‌گیری را بر تلاش ترجیح می‌دهد محدود ساختن تمام چه‌ها و فعالیت‌های زندگی، خجالت و سکوت، محرومیت، ناتوانی در برقراری رابطه با دوستان و معلمان، فرار از فعالیت‌های اجتماعی و به تعویق انداختن انجام دادن کارها، بی‌حوصلگی و کسالت و احساس خستگی و نگرانی آینده، کمک نخواستن از دیگران، هنگام نیاز، در انجام دادن کارها از این شاخه به آن شاخه پریدن، سازش با وضع موجود و اعتراض نکردن به آن، حتی در صورت احساس ناراحتی و نگرانی، احساس پوچی و بی‌ارزشی، ابراز وجود نکردن، تسلیم شدن در برابر خواسته‌های دیگران، تقصیر گناهان را به گردن گرفتن ناتوانی در بروز احساس خصوصیت و پرخاشگری، اجتناب از رقابت، درون‌گرایی و در خود فرو رفتن، زود رنجی، داشتن نگرش منفی و بدبینانه به اطرافیان، مطرح نکردن اشکالات درسی در کلاس و عقب مانده‌گی درسی در بین دانش‌آموزان گوشه‌گیر بسیار مشاهده می‌شود. (سراج خرمی، حسینی نسب، ۱۳۹۸)

من و دوستم زهرا (دانشجوی رشته‌ی گرافیک) چند سال است که از اعضای فعال هیئت دخترانه یک جریعه‌زندی و عضو کارگروه کودک و نوجوان هستیم. از سال ۱۴۰۰ بود که ما با قرارگاه بسیج شهید هاشمی واقع در مجتمع‌های مسکونی ابن سینا در نزدیکی شهرک اندیشه همدان آشنا شدیم. این

شهرک در اطراف شهر همدان واقع شده و از منطقه های ضعیف شهر ما محسوب میشه و علاوه بر اون خود این مجتمع ها هم ویژگی خاص خودشان را دارند ، برای مثال یکی از مجتمع ها محل زندگی افرادی است که هر کدام حداقل یکی از اعضای خانوادشان معلول است . و به طور کلی کودکان این مجتمع ها از خانواده های محروم و ضعیف شهر ما و از همه نظر بسیار آسیب پذیر هستند .

ما با اطلاع از این شرایط تصمیم گرفتیم یک کلا نقاشی و هنر های دستی برای بچه های پنج الی دوازده سال برگزار کنیم که در کنار آموزش کمی مهارت های هنری ، کمک به تخلیه انرژی های منفی ، رشد بعد اجتماعی (که بخصوص در دوران اپیدمی کرونا و دوری بچه ها از مدرسه خیلی لازم است) و کمک به حل مشکلات و مسائل خرد و قابل حل به دست ما بپردازیم .

در اولین جلسه ما با شاگردانمان آشنا شدیم البته تا همین الان که مدت زیادی از شروع کلاس ها می گذرد ما دو جلسه با شاگرد های یکسان نداشتیم همواره عده ای جدید به ما اضافه و عده ای غیبت می کنند .

یکی از بچه ها که همیشه در کلاس ها حضور داشته و از جلسه اول هم توجه ما را نسبت به خودش جلب کرده سپهر است . در جلسه اول ما هنوز میز و صندلی مناسبی نداشتیم و از کودکان خواستیم روی مبل ها ، هر جا که دوست دارند بشینند ؛ (این جلسه چون جلسه اول بود بسیاری از مادر ها ماندند تا کمی فضای کلاس را ببینند و با ما آشنا شوند) همه بچه ها آمدند و روی مبل هایی که ما دور یک میز چیده بودیم نشستند اما سپهر پیش بچه ها نیامد و کنار مادرش نشست (سپهر از لحظه ورود هم بر عکس بقیه بچه ها اصلا شور و اشتیاقی از خودش نشان نداد و بی حرف کنار مادرش به طوری که انگار به اصرار مادرش به کلاس آمده بود) ، پس از اینکه ما به او اصرار کردیم ، بدون هیچ حرفی پیش بچه ها آمد اما صندلی جدا و دورتر از بچه را برای نشستن انتخاب کرد . در طول آن جلسه سپهر حتی یک کلمه هم با ما حرف نزد و اگر می خواستیم به ما نگاه کند و حرفمان را بشنود باید چندین بار صدایش می کردیم و توجهش را جلب می کردیم . سپهر شش سال داشت و از بچه های کوچک کلاس ما محسوب می شد و با توجه به سن و مهارت هایی که از بچه ها می دیدیم کارش بد نبود و با کلاس پیش می آمد ، اما این عدم برقراری ارتباطش ما را نگران می کرد.

با ادامه این شرایط و مشاهده دوری گزینی ، عدم برقراری ارتباط ، عدم پاسخ گویی به سوالات و وابستگی به مادر (مادر سپهر از جمله مادرانی که بود که هر جلسه در کلاس می ماند ، البته بقیه مادران شرایط رفت و آمد نداشتن اما با صحبتی که با مادر سپهر داشتیم فهمیدیم که بخاطر وابستگی سپهر می ماند) کمی احساس نگرانی کردیم و فهمیدیم موضوع فقط یک غریبیگی کردن ساده و خجالت کشیدن در برخورد اول نیست و باید جدی تر این موضوع را بررسی کنیم .

شواهد ۱ :

شرایط ما به عنوان معلم های نقاشی و هنر های دستی (دو جوان بیست سال) در نزد والدین به گونه ای است که از مشروعیت کافی برخوردار نیستیم و والدین آنچنان که حرف معلمان مدرسه را می پذیرند ، حرف ما را جدی نمی گیرند ، به همین دلیل ما نمی توانستیم خیلی مستقیم درمورد تشخیصمان صحبت کنیم و علل به وجود آمدن و علائم سپهر در خانه را بررسی کنیم به همین دلیل حوزه تشخیص و اقدام ما به همین کلاس نقاشی محدود می شد . البته علاوه بر عدم مشروعیت ما ترس از رفتن ابرو و انگ زدن به کودک نیز والدین را از پذیرفتن مسئله کودکشان و همکاری با ما منع می کرد ؛ برای همین ما باید همه اقداماتمان تشخیصی و درمانیمان را به شکل غیر مستقیم انجام می دادیم .

ما بعد از جلسه اول شرایطی را فراهم کردیم که حتی اگر والدینی می ماند ، بچه ها جدا از آن ها و با فاصله باشند اما سپهر در طول کلاس دائم بر می گشت به مادرش نگاه می کرد ، به دلایل مختلف مثل نشان دادن کارش و ... بلند می شد و پیش مادرش می رفت و در کار های مختلف از مادرش کمک می خواست . از ارتباط چشمی دوری می کرد و حتی اگر با اصرار و چندین بار صدا زدن ما نگاهمان می کرد به سوالاتمان پاسخ نمی داد . با دیگر بچه ها حرف نمی زد و طوری می نشست که کوچک ترین برخوردی با کسی نداشته باشد . توی خودش بود و برای خودش کار هایی که می گفتیم را انجام می داد ، اگر به مشکل می خورد کمک نمی گرفت و اگر خود ما اقدام به کمک کردن می کردین کنار می کید و فقط نگاه می کرد ، او شیطنت خاصی سر کلاس نمی کرد اما به این معنا نبود که تمام حواسش هم به کلاس است ؛ گاهی پیش می آمد که انگار متوجه اطرافش نبود و به فکر فرو می رفت و باید دستمان را جلوی چشمش تکان می دادیم تا به خود بیاید ، از وسیله اش می افتاد یا در جایی قرار می گرفت که

دستش نمی‌رسید از کسی کمک نمی‌خواست و به سختی سعی می‌کرد خودش کارش را انجام دهد، هیچ وقت نظر خاصی نمی‌داد و نسبت به هیچ موضوعی اعتراض نمی‌کرد تنها آرام همه چیز را می‌پذیرفت. بعد از این مشاهدات از خانم خاوری مسئول کارگروه‌مان خواستیم که غیر مستقیم با مادر سپهر صحبت کند؛ پس از صحبت‌ها خانم خاوری برایمان گفتند: زمانی که داشتم با مادرها به طور کلی راجب فرزندان‌شان حرف می‌زدم خود مادر سپهر گفت: من در کلاس می‌مانم چون سپهر وحشت می‌کند و تنها نمی‌ماند، اون به من وابسته است و ارتباط گیری برایش سخت است، معمولاً خجالتی و کم حرف است. با توجه به مشاهداتمان در طول چند جلسه و حرف‌های مادر سپهر متوجه شدیم که حدسمان درست است و سپهر انزواطلب و گوشه گیر است، پس تصمیم گرفتیم به سپهر برای حل این مشکل کمک کنیم.

بخش سوم: پیشینه پژوهش

در این زمینه اقدام پژوهی‌های بسیار زیادی انجام شده بود که در هر کدام کودکان به دلیل شرایط گوناگونی دچار اختلال انزواطلبی و گوشه‌گیری شده بودند و به تبع روش‌های بکاربرده شده توسط همکاران نیز متفاوت بودند؛ در اینجا من به چند مورد از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنم:

راحله ارتقایی (۱۳۸۸) در پایه پنج ابتدایی با دانش‌آموزی با خصوصیات ویژه مواجه شد که نظرش را جلب کرد. این دانش‌آموز، درس‌خوان، کارا و مودب ولی گوشه‌گیر و کم حرف بود. به همین دلیل تصمیم بر یافتن دلیل اختلال این دانش‌آموز و اصلاح آن گرفت. ایشان پس از مشاهده رفتارها و روابط این دانش‌آموز در کلاس و جمع‌آوری اطلاعات اولیه به جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر از طریق مصاحبه با خود دانش‌آموز، هم‌کلاسی‌هایش، دیگر معلمان و کادر مدرسه و والدین دانش‌آموز پرداخت، و پس از گردآوری اطلاعات با توجه به آن‌ها اقدام به اصلاح این اختلال در دانش‌آموز کردند؛ ایشان با اجرای طرحی ساده و قابل اجرا در کلاس درس مثل خواندن اشعار گروه‌ها چند نفره و سپس خواندن نشان برای کل کلاس، تقاضا از والدین جهت وقت گذاشتن برای حرف زدن و تفریح کردن با دانش‌آموز، نوشتن نمایشنامه و اجرای نمایشنامه توسط آن دانش‌آموز و دیگر هم‌کلاسی‌هایش و ... توانستند مشکل این دانش‌آموز را حل کنند.

جواد رعیت (۱۳۹۱) در یک از جلسات اولیا مربیان با پدر دانش آموزش مواجه می شود که نگران شرایط دخترش است و برای حل این موضوع به معلمش یعنی ایشان مراجعه کرده ، ایشان با استفاده از روش های مشاهده و مصاحبه متوجه شدند که مشکل این دانش آموز گوشه گیری و انزوا طلبی است ، که باعث افت تحصیلی و بی علاقه ای او در انجام تکالیف و عدم علاقه به دوستی با هم سن سال هایش شده است .ایشان با توجه به شرایط دانش آموزش بهترین راه حل را محبت کردن و مسئولیت دادن تشخیص داد و برای بهبود شرایط دانش آموزش از نزدیکان او و کادر مدرست کمک گرفت و در نهایت با انجام اقدامات زیر توانست مشکل او را حل کند :

-دادن مسئولیت توسط معاونت پرورشی ، آموزشی و معلم کلاس

-جابجایی محل سکونت و عوض کردن خانه توسط پدرش

-توجه کردن به دانش آموز توسط معلم و مدیر و معاون آموزشی

-تشویق کردن در مناسبت های مختلف چه از نظر درسی و چه از نظر پرورشی

-بردن اردو و گردش های علمی

-شرکت پدرش در پیاده روی روز خانواده به زمین های اطراف روستا به همراه فاطمه

-فراهم کردن زمینه مشارکت پدرش با مدرسه مانند تعمیر دستگا های فتوکپی و کامپیوتر

زهره شجاعیان (۱۳۹۶) مدیر مجتمع آموزشی پرورشی مرصاد سالهاست که در آموزش و پرورش مشغول به تدریس است . ایشان بیان می کنند : متأسفانه در این مدت با شاگردان مشکل دار بسیاری مواجه بودم و هر سال با تجربه بیش از قبل سعی در رفع یا کاهش آن نموده ام . در سال ۱۳۹۶ هم مثل هر سال از بین دانش آموزانشان با دانش آموزی به نام علیرضا برخورد کردند که پسر گوشه گیر و انزوا طلبی بود که با انجام حرکات ناشی از این اختلال باعث اذیت و آزار دیگران بود ، ایشان پس از مشاهده و مصاحبه با دیگران متوجه از هم گسیختگی خانواده و محیط زندگی او شدند و با صحبت با نامادری و پدر او و دیگران در پی رفع ناامنی و ترس و اختلالات رفتاری و اخلاقی او بر آمدند . و پس از مطالعه و

بررسی و همفکری باهمکاران و دیگران و درپیش گرفتن روش های مناسب موقت به کاهش اختلالات رفتاری و اخلاقی او شدند .

بخش چهارم: روش شناسی

اقدام پژوهی یکی از روش های تحقیق کیفی است ؛ در اقدام پژوهی ما پژوهشگران مسئله یا مشکلی را شناسایی می کنیم و برای حل آن ، یا ایجاد تغییر در آن ، به طور دقیق اطلاعاتی را جمع آوری می کنیم و سپس به اقدامات مناسب می پردازیم. جامعه ای که من در آن به پژوهش پرداختم حدودا بیست کودکی بودند که در طول جلسات مختلف به کلاس نقاشی و هنر های دستی می آمدند و نمونه مورد پژوهش هم سپهر (نام مستعار) پسر شش ساله ای است که شاگرد دائمی کلاس هایمان بود . من برای جمع آوری اطلاعات به دلایلی که قبلا بیان کردم ، بیشتر از روش مشاهده و کمی به طور غیر مستقیم از روش مصاحبه (با مادر سپهر) استفاده کردم .

• اجرای راه حل ها و نظارت بر آن ها

پس از تشخیص مشکل سپهر من به مشورت با دیگر معلمان و مطالعه مقاله ها و مطالب مربوط به انزوایی و شیوه های درمان آن پرداختم و از میان آن راه حل ها آن هایی را که در کلاس ما قابل اجرا بودند را جدا کردم . از آنجایی که در کلاس من بیشتر با بچه ها زیر نه سال و دوستانم زهرا بیشتر با بچه های بالای نه سال کار می کرد اجرایی کردن راه حل ها برایم راحت بود ؛ اقدامات من به شرح زیر است در ابتدا ما بچه ها را بر اساس سن و توانایشان به دو گروه تقسیم کردیم و بدون اینکه به آن ها بگوییم سعی کردیم هر جلسه اعضای هر گروه کنارهم بشینند ؛ این کار باعث می شد اعتماد به نفس بچه های کوچک تر با دیدن کار های بچه های بزرگ تر پایین نیاید و همچنین بچه های همسن و سال می توانستند باهم ارتباط بگیرند ، دوست شوند و مهرت های اجتماعیشان را افزایش دهند. در تعیین جای نشستن علاوه بر نشستن کنار گروه های همسال من سعی کرد هر جلسه سپهر را کنار یکی از شاگردان دخترم بنشانم که بسیار خوب ارتباط برقرار می کند و کودک پرانرژی است و امکان ندارد کنارش باشی و مجبور به حرف زدنت نکند ، حضور این دختر بچه در کنار سپهر علاوه بر بهبود برقراری ارتباطش طبق

تحقیقات به او کمک می کرد تا با الگوگیری شخصیتی از یک فرد هم سن و سالش ابعاد اجتماعی شخصیتش را رشد دهد چرا که او فرد پرارژی و دوست داشتنی بود و الگوسازی از همسالان نیز بسیار موثر تر است . (این دختر نیز از بچه هایی بود که هر جلسه در کلاس حاضر می شد) علاوه بر اون سعی کردیم بستری رو هم فراهم کنیم که بچه ها وسایل مورد نیازشون رو با خواهش از همدیگه بگیرن و در کل تعاملی دوستانه بینشون برقرار بشه .

دومین موضوعی که به ذهنمون رسید این بود که علاوه بر جدا کردن جای نشستن بچه ها از مادرائی که در طو کلاس می مانندند برای استقلال بیشتر بچه ها دوباره با خانم خاوری صحبت کنیم تا بطور کلی درمورد استقلال بچه ها و آمادگیشون برای ورود به مدرسه و جامعه باهاشون صحبت کنه و ازشون بخواد که در کلاس تا جایی که می توانند بچه ها رو تنها بزارند تا مستقل شوند و از وابستگیشون کم بشه و خدا روشکر مادر سپهر این رو پذیرفتن و خیلی همکاری کردن ، در ابتدا می آمدند به کلاس و چند دقیقه ای خارج می شدند تا اینکه دیگر به روز هایی رسید که سپهر را می گذاشتند و می رفتند و برای بردنش بر می گشتند ؛ در این زمان ها چون در مطالعاتم متوجه شده بودم یکی از دلایل انزوایی عدم احساس امنیت در محیط های نا آشنا ، شلوغ و به طور کلی محیط های اجتماعی سعی می کردم بیشتر حواسم به سپهر باشه و بهش این حس رو بدم که اگر مادرت هم نباشه ما و دوستانت کنارتیم و ازت حمایت می کنیم و زمانی که ازم می پرسید مادرم کجا رفته بهش توضیح می دادم که برای انجام کاری رفته اما من هستم ، هر کاری داشته باشه می تونه بهم بگه . نکته دیگری نیز که از خانم خاوری خواستیم به مادر ها بگویند این است که ما در این کلاس هدفمان تخلیه انرژی و حس های منفی بچه ها ، رشد ابعدا اجتماعی ، انجام تمرین های دست ورزی و تقویت مهارت هایشان برای حضور در مدرسه و جامعه و در کنار این ها آموزش هنر است پس از بچه ها توقع نداشته باشند بعد از این کلاس ها هنرمند شوند و بخاطر اینکه گاهی نقاشی هایشان با معیار ها و چهارچوب های ذهنی آن ها فاصله دارد از نقاشیشان تعریف نکنند و دائم به نظر خودشان اشتباهات آن ها را گوشزد کنند چراکه یک بخش مهم هنر خلاقیت است و خلاقیت از هنجار شکنی و خروج از چهارچوب های موجود نتیجه می گیرد و یک بخش دیگر تخیل است که می تواند چیز های را بسازد که هیچ کس پیش از آن به آن ها فکر نکرده است.

سپهر یه خواهر کوچک تر داره که تازه داشت راه می افتاد من هم از این موضوع استفاده کردم و برای داشتن یک گفت و گوی کوتاه با سپهر درمورد خواهرش از اون سوال پرسیدم و زمانی که جواب می داد با تمام توجه بهش گوش می دادم تا احساس خوبی از حرف زدن پیدا کنه ، بعد از اون هم سعی می کردم علاوه بر صحبت ها ، آموزش ها و تذکرات عادی کلاس مکالمه های کوتاهی در مورد اینکه چه چیزی دوست دار بکشه ، چه رنگی رو دوست داره و ... داشته باشم و در کل محیط رو براش صمیمانه تر کنم .

یکی از روش هایی که برای بهبود انزواطلبی همواره به آن اشاره می شود دادن مسئولیت به فرد است پس من و دوستم به این دلیل و دلایل دیگه تصمیم گرفتیم یکی از برنامه هایمان برای یک از جلسات کاشتن سبزی باشد چرا که نگهداری از آن کار سختی نیست و بچه ها می توانند با موفقیت از عهدش بر بیان و این که می تونن ثمره تلاششون رو بچینن و بخورن خیلی حس خوبی بهشون میده ؛ پس برای آخرین جلسه قبل از عید وسایل رو آماده کردیم و با بچه ها سر کلاس سبزی کاشتیم و ازشون خواستیم در طول عید که کلاس تعطیل از سبزی هاشون مراقبت کنن تا رشد کنن . (این کار در آخرین جلسه قبل عید انجام شد تا در مدتی که کلاس تعطیل هم بچه ها خیلی از فضا دور نشن)

در یکی از جلسات نیز خواستیم بچه ها تک به تک در مورد چیزی که دوست دارن یادگیرن بکشن صحبت کنن تا ما اون چیز رو در یک لیست قرار بدیم و در طول جلسات آینده او رو بکشیم ؛ و در طول این گفت و گو سعی کردیم بچه هارو آرام نگه داریم تا همه با توجه به حرف کسی که دارد صحبت می کند گوش کنیم و از سپهر هم خواستیم که حتما نظرش را بگوید و صبر کردیم تا استرسش بخوابد و حرفش را بزند .

من در این مسیر سعی کردم هر کاری هرچند کوچک که به نظرم می تونه موثر باشه رو انجام بدم ؛ پس هر بار که می خواستم با سپهر صحبت کنم ازش می خواستم بهم نگاه کنه و وقتی حرف میزد خودم هم کامل بهش نگاه می کردم و و لبخند می زدم و شنونده فعالی بودم تا حس وحشتش از برقراری ارتباط چشمی و گفت و گو برطرف بشه ، اگر گاه در موارد به خواهرش کمک می کرد یا مراقبش بود سریع بهش اشاره می کردم و تشویقش می کردم که بتونم اعتماد به نفسش رو که نداشتنش یکی دیگه از

عوامل اصلی انزوا طلبی رو بالا ببرم چرا که یکی از راه های درمان این موضوع یاد آوری توانمندی های فرد به اوست . در راستای بالا بردن اعتماد به نفس سعی می کردم کوچک ترین تغییرات ورشدش در نقاشی رو هم بیان کنم و با اشاره به جزئیات نقاشی هاش از اون ها تعریف می کردم و تشویقش می کردم (اشاره به جزئیات باعث می شود که فرد فکر نکند فقط همینطوری داریم او را تشویق می کنیم و واقعا قابل تشویق نیست .) و زمانی که خودش به تنهایی بدون هیچ کمکی چیزی را می کشید یا کاری را می کرد حتی اگه نتیجه خیلی عالی نبود خیلی تحسینش می کردم تا بدون چقدر اینکه تلاش می کنه با ارزش .

یک موضوع دیگر که همیشه سعی می کنیم در کلاس رعایت کنیم و برای بهبود شرایط سپهر من مناسب است این است که هی وقت نظرم را به بچه ها تحمیل نمی کنیم و بعد از آموزش هر موضوع می گیم که اون ها می تونن اون کار رو با نظر ، سلیقه و عقیده خودشون انجام بدن و این ابراز وجود و عقیده به کاهش انزواطلبی کمک می کند .

شواهد ۲ :

بعد از گذشت چندین جلسه و تلاش های فراوان می توان تغییر را به شکل محسوسی در سپهر دید ؛ این تغییرات به حدی است که گاهی فکر می کنم سپهر روز اول با سپهر این روز دو آدم متفاوت هستند .

هنوز هم سپهر جزو بچه های آرام کلاس است و نمی شود گفت خیلی شلوغ کار و خیلی پر جنب و جوش است اما تغییراتی که کرده باعث شده نگرانی ما بر طرف شود ، این تغییرات به شرح زیر هستند :

سپهر این روز ها پس از ورود به کلاس به ما سلام می دهد و مشتاقانه به سمتمان می آید (بدون اینکه کسی چیزی به او بگوید) ، سپس پیش گروه همسالانش می نشیند ؛ پیش ، پس و در حین کلاس با همسالانش که الان باهم دوست شدن گفت و گو می کند ، هم درمورد کارهایی که انجام می دهیم ، هم صحبت های روزمره و گاهی هم راجب خواهرش با آن ها صحبت می کند (در یکی از جلساتی که ما کمی پشت در مانده بودیم تا در را باز کنند دیدیم که که سپهر دارد با دوست هایش بازی و صحبت می کند و همچنین دارند باهم قد میگیرند و می خندند) ، به راحتی وسایلش را به بقیه می دهد و از آن ها

می گیرد ، اگر کسی بی اجازه وسایلش را بردارد می تواند اعتراض کند ، زمانی که با او صحبت می کنم با دقت و توجه به من نگاه می کند و چشمانش را نمی دزدد .

هنوز هم سپهر گه گاهی پیش مادرش می رود اما زمانی که یک کار را به اتمام رسانده و می خواهد کارش را به او نشان دهد و با خوشحالی به سمت مادرش می رود و باز می گردد و زمانی که مادرش کلاس را ترک می کند علائمی از ترس و نگرانی و اضطراب نشان نمی دهد .

حتی تغییر روحیات سپهر روی کار و هنرش نیز اثر گذاشته و این روز ها خیلی بهتر نقاشی می کشد و کار دستی درست می کند و نیاز خیلی کمی به کمک دارد ، اغلب کمک ها هم به شکل توضیح اضافه است نه این که قسمتی از کارش به دست ما انجام گیرد. (یکی از علت های پیشرفتش در نقاشی و کاردستی بهتر شدن اعتماد به نفسش است چراکه این روز ها بدون ترس از اقدام کردن و خراب شدن نتیجه کاری که ما می گوئیم را انجام می دهد و از نتیجه کار هایش لذت می برد ، حتی گاهی وقت ها آگاهانه نقاشی هایی که جلسه قبل آموختند را با موضوع این جلسه ترکیب می کند و ترکیب جدیدی می ساز)

این روز ها انگار توجه سپهر نیز متمرکز تر است و هم کمتر حواسش پرت می شود ، هم کمتر در فکر می رود ؛ او با دقت توضیحات را گوش و می دهد و در اغلب موارد درست عمل می کند . حتی خودش بدون اینکه ما چیزی بگویم درباره چیز های اضافه ای (علاوه بر چیز هایی که ما آموزش دادیم) که در نقاشیش کشیده بر ایمان توضیح می دهد .

به طور کلی می توان گفت حتی اگر مسئله سپهر به طور کلی خوب نشده باشد باز هم یک پیشرفت و تغییر چشمگیری کرده است و در مسیر رشد است .

نکته دیگری نیز که از خانم خاوری خواستیم به مادر ها بگوئید این است که ما در این کلاس هدفمان تخلیه انرژی و حس های منفی بچه ها ، رشد ابعاد اجتماعی ، انجام تمرین های دست ورزی و تقویت مهارت هایشان برای حضور در مدرسه و جامعه و در کنار این ها آموزش هنر است پس از بچه ها توقع نداشته باشند بعد از این کلاس ها هنرمند شوند و بخاطر اینکه گاهی نقاشی هایشان با معیار ها و

چهارچوب های ذهنی آن ها فاصله دارد از نقاشیشان تعریف نکنند و دائم به نظر خودشان اشتباهات آن ها را گوشزد کنند چراکه یک بخش مهم هنر خلاقیت است و خلاقیت از هنجار شکنی و خروج از چهارچوب های موجود نتیجه می گیرد و یک بخش دیگر تخیل است که می تواند چیز های را بسازد که هیچ کس پیش از آن به آن ها فکر نکرده است .

نتیجه گیری

نگرانی من نسبت به رفتار ها و خصوصیات غیر عادی شاگردم سپهر پسر شش ساله ای که از همان روز های اول شروع کلاس نقاشی و هنر های دستی باعث شد من درصدد جمع آوری اطلاعات به شیوه های مختلف درباره سپهر قرار گیرم : من از دو روش مشاهده در طول کلاس و مصاحبه با مادر سپهر از طریق خانم خاوری مسئول کارگروه ما اطلاعاتی جمع آوری کردم و با مطالعه در رابطه با ویژگی های سپهر و حدسم نسبت به مشکلش یعنی انزوایابی (قبلا اطلاعات اندکی در رابطه با این مشکل داشتم و از طریق آن اطلاعات این حدس را می زدم) توانستم تشخیص دهم که سپهر کودکی انزوا طلب است .

پس از تشخیص سعی کردم با به کار بردن راه حل های درست از جمله ؛ بالابردن اعتماد به نفس سپهر از طرق تشویق و تحسین او در کلاس و صحبت با مادرش در جهت تشویق او و عدم ایرادگیری از کارهایش ، نشان دادن سپهر در کنار گروه همسالانش و فراهم کردن بستر دوستی ، برقراری ارتباط و گفت و گو های ساده در عین برقراری ارتباطش و شنونده فعال بودن و ... با کمک دوستانم به بهبود شرایط سپهر کمک کنم. در نهایت با انجام این اقدامات سپهر به وضعیت مطلوبی رسید و کاهش انزوایابی سپهر باعث ارتباط صحیح او با ما و دوستانش شد و در نتیجه تاثیر شویی که بر عملکرد مهرداد گذاشته بود کاهش پیدا کرد.



منابع و مأخذ:

۱. محمد جواد علی اکبری ، مقاله انزواطلبی Seclusiveness ، سایت پژوهه ، ۱۳۹۳ ، پژوهشکده باقرالعلوم
۲. روزنامه اطلاعات ، ۱۳۹۵
۳. نجمه سراج خرمی ، مریم حسینی نسب ، مقاله بررسی علل و عوامل گوشه گیری و ارائه راهکار هایی برای برطرف کردن آن در دبستان ، مجله نخبگان علوم مهندسی ، ۱۳۹۸

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
مدیر اجرایی همایش دکتر شهلا رضایی
دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قیادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))










